

کتابِ دانیال - ننانوے نمبر

ایامِ آخر و عدالتِ خدا: انکشافِ بصیرتِ های نبوی

Jeff Pippenger

2024-02-29

«روزهای آخر» اعلانِ گشایشِ داوری را در حرکتِ فرشتهٔ اول نمایان می‌سازند، و در حرکتِ فرشتهٔ سوم، اختتامِ داوری اعلام می‌گردد. در «روزهای آخر» قومِ خدا برانگیخته شده‌اند و برانگیخته می‌شوند تا داوریِ خدا را اعلام کنند؛ اما برای آنکه پیام‌آورِ داوریِ خدا باشید، باید داوری را بشناسید. یکی از ویژگی‌های اصلیِ ادونتیسْمِ لائودیکیه‌ای، چه طبقهٔ فرهیخته و چه طبقهٔ نافرہیخته، این است که داوریِ خدا را نمی‌شناسند. همهٔ انبیا، به‌طورِ خاص‌تر، روزهایِ آخر را موردِ خطاب قرار می‌دهند تا روزگاری را که خود در آن می‌زیستند.

«هر یک از انبیای باستانی کمتر برای زمانِ خود سخن گفتند تا برای زمانِ ما؛ از این‌رو، نبوتِ ایشان برای ما نافذ و جاری است.» و همهٔ این امور بر ایشان واقع شد تا عبرت‌ها باشد؛ و برای تنبیهٔ ما مکتوب گردید، ما که انتهایِ عالم‌ها بر ما رسیده است.» 1 Selected «Corinthians 10:11. Messages, book 3, 338

همهٔ انبیا با یکدیگر توافق دارند؛ از این‌رو، تمامی نبوت‌های ایشان یک تصویر واحد را ارائه می‌کنند، و آن تصویر مربوط به ایامِ آخر است، که همان ایامِ داوری است.

و ارواحِ انبیا، مطیعِ انبیا هستند. زیرا خدا، پدیدآورندهٔ آشفتگی نیست، بلکه خدای سلامتی است؛ چنان‌که در همهٔ کلیساهای مقدسین. اول قرن‌تین 14:32، 33.

اورشلیم در رؤیای حزقیال، که از باب هشتم آغاز می‌شود، کلیسایِ خداست، یعنی کلیسایِ ادونتیسْمِ روز هفتمِ لائودیکیه در ایامِ آخر. باب‌های هشتم و نهم حزقیال، در پایانِ داوریِ خاندانِ خدا، دو گروه از عبادت‌کنندگان را مشخص می‌سازند. یک گروه با آن بیست‌وپنج مردِ مشایخ که به خورشید سجده می‌کنند، نمادپردازی شده‌اند؛ اما آنان که برای رجاساتِ به‌عمل‌آمده در کلیسا و زمینِ آه و ناله می‌کنند، مهرِ خدا را دریافت می‌نمایند. در باب یازدهم، رؤیای حزقیال شرحِ تمثیلیِ مجازاتِ آن بیست‌وپنج مردی را که به خورشید سجده می‌کنند، ادامه می‌دهد.

اور روح نے مجھے اُٹھایا اور خداوند کے گھر کے مشرقی پھاٹک تک لے آیا جو مشرق کی طرف رخ رکھتا تھا؛ اور دیکھو، پھاٹک کے دروازہ پر پچیس آدمی تھے، جن میں میں نے عزور کے بیٹے یعزنیآہ اور بنایآہ کے بیٹے فلطیآہ کو دیکھا، جو قوم کے رئیس تھے۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا، اے آدم زاد، یہ وہ لوگ ہیں جو بدی کی تدبیریں کرتے ہیں اور اس شہر میں شیرانہ مشورہ دیتے ہیں؛ جو کہتے ہیں، وقتِ قریب نہیں؛ اُو ہم گھر بنائیں؛ یہ شہر دیگ ہے اور ہم گوشت ہیں۔ اس لیے اُن کے خلاف نبوت کر، نبوت کر، اے آدم زاد۔ اور خداوند کی روح مجھ پر نازل ہوئی اور اُس نے مجھ سے کہا، کہہ دے: خداوند یوں فرماتا ہے؛ اے اسرائیل کے گھرانے، تم نے یہی کہا ہے، کیونکہ میں اُن باتوں کو جانتا ہوں جو تمہارے دل و دماغ میں آتی ہیں، ایک ایک کو۔ تم نے اس شہر میں اپنے مقتولوں کی کثرت کی ہے اور اس کی گلیوں کو مقتولوں سے بھر دیا ہے۔ اس لیے خداوند خدا یوں فرماتا ہے: تمہارے مقتول جنہیں تم نے اس کے درمیان ڈال رکھا ہے، وہی گوشت ہیں اور یہ شہر دیگ ہے؛ لیکن میں تم کو اس کے درمیان سے نکال لاؤں گا۔ تم تلوار سے ڈرے ہو؛ اور میں تم پر تلوار لاؤں گا، خداوند خدا فرماتا ہے۔ اور میں تم کو اس کے درمیان سے نکالوں گا اور اجنبیوں کے ہاتھ میں تمہیں سونپ دوں گا، اور تمہارے درمیان عدالتیں جاری کروں گا۔ حزقی ایل 9-11:1۔

اورشلیم بہ عنوان «دیگ» معرفی شدہ است، و مردم اورشلیم «گوشت» ی ہستند کہ در آن دیگ، یعنی در ظرف پختہ می‌شوند۔ داوری شیران کہ بہ وسیلہٴ فرشتگان با سلاح‌های ہلاک‌کنندہ در دست‌هایشان، در زمان مہر شدن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر، بہ انجام می‌رسد (زیرا خواہر وایت می‌گوید کہ مہر شدن باب نہم حزقیال همان مہر شدن باب ہفتم مکاشفہ است)، شامل این حقیقت نیز ہست کہ شیران از اورشلیم برچیدہ می‌شوند۔ در قانون یکشنبہ‌ای کہ بہ زودی خواہد آمد، اورشلیم روحانی پاک ساختہ خواہد شد و همچون علّٰمی بر فراز ہمہٴ کوہ‌ها برافراشتہ خواہد گردید۔

۱ در ایام آخر واقع خواہد شد کہ کوہ خانہٴ خداوند بر قلہٴ کوہ‌ها استوار خواہد گردید و بر فراز تپہ‌ها برافراشتہ خواہد شد؛ و ہمہ امت‌ها بہ سوی آن روان خواہند شد۔ و قوم‌های بسیار روانہ شدہ، خواہند گفت: بیایید، و بہ کوہ خداوند، بہ خانہٴ خدای یعقوب، بالا رویم؛ و او طریق‌های خویش را بہ ما خواہد آموخت، و ما در راہ‌های او سلوک خواہیم نمود؛ زیرا شریعت از صہیون صادر خواہد شد، و کلام خداوند از اورشلیم۔ اشعیا ۲: ۳، ۴

پاک‌سازی‌ای کہ برای اورشلیم در ہنگام قانون یکشنبہ بہ انجام می‌رسد، برکنار شدن ادونتیسٹ‌های لائودیکہ است، بہ‌گونہ‌ای کہ تنہا ادونتیسٹ‌های فیلادلفیہ باقی می‌مانند۔ سپس ساختار حقوقی شرکتی بہ پایان می‌رسد، زیرا دولت ایالات متحدہ عامل حاکم در ترتیبات حقوقی‌ای است کہ در سال 1863 برقرار شد؛ و ہنگامی کہ دولت ایالات متحدہ رعایت یکشنبہ را بر سراسر سرزمین تحمیل کند، ساختار شرکتی کلیسای ادونتیسٹ روز ہفتم یا از لحاظ قانونی منحل می‌شود، یا شاید نام آن از نظر قانونی بہ چیزی در حد «کلیسای ادونتیسٹ یکشنبہ» تغییر یابد۔

ہنگامی کہ شیران اورشلیم بہ وسیلہٴ فرشتگان ہلاک‌کنندہ از دیگ بیرون آورده می‌شوند، کلیسای ادونتیسٹ لائودیکہ پایان می‌یابد، و جنبش فیلادلفیایی بہ اورشلیم روحانی بدل می‌گردد کہ همچون علّٰمی برافراشتہ می‌شود۔ میکاہ مردان قدیم را مخاطب می‌سازد؛ همانانی کہ اشعیا آنان را مردان استہزاکنندہ می‌خواند، کہ روشنائی را تاریکی و تاریکی را روشنائی می‌نامند؛ و از طریق پرسشی، مشخص می‌سازد کہ مردان قدیم می‌بایست «داوری» را شناختہ باشند۔ آنان می‌بایست زمان تفقّد خود را دانستہ باشند۔

اور میں نے کہا: اے یعقوب کے سردارو اور اے اسرائیل کے گھرانے کے امیرو، میری التماس ہے، سنو! کیا انصاف کو جاننا تمہارے لیے لازم نہیں؟ تم نیکی سے عداوت رکھتے ہو اور بدی سے محبت؛ تم ان کی کھال ان پر سے نوچ لیتے ہو اور ان کا گوشت ان کی ہڈیوں پر سے اتار لیتے ہو؛ تم میرے لوگوں کا گوشت بھی کھاتے ہو، اور ان کی کھال ان پر سے ادھیڑ ڈالتے ہو؛ اور ان کی ہڈیاں توڑتے ہو اور انہیں ٹکڑے ٹکڑے کرتے ہو، جیسے ہانڈی کے لیے، اور جیسے دیگ کے اندر کا گوشت۔ میکاہ 3: 1-3۔

خدا ارادہ کردہ بود، و ہنوز نیز ارادہ دارد، کہ قوم آخرالزمانی او «داوری را بدانند»، و داوری مفہومی یگانہ نیست۔ داوری تاریخی تدریجی است کہ دارای چندین عنصر و نشانہ‌های مشخص است۔ این، دورہ‌ای نبوتی است کہ در سال 1798 آغاز شد و تا پایان ہزارہ ادامہ می‌یابد۔ ہم تحقیقی است و ہم اجرایی۔ بر ہر انسانی کہ تاکنون بر سیارہ زمین زیستہ است انجام می‌شود، و نیز بر فرشتگانی کہ از آسمان اخراج شدند۔ ادوار داوری، برای وفاداران خدا در ایام آخر، دانشی اساسی است، زیرا پاسخ بہ پرسش میکاہ این است: «آری، اسرائیل باید داوری را بفہمد۔»

یرمیاہ نشانندہی کرتا ہے کہ آخری ایّام میں یروشلم کے قدیم مرد اُس "ہمیشگی کی برگشتگی" کے نقطہٴ کمال کی نمائندگی کرتے ہیں، جس کی تصویر بڑھتی ہوئی بغاوت کی چار نسلوں کے ذریعے دکھائی گئی ہے، اور جس کی علامت حزقی ایل باب آٹھ کی چار بتدریج بڑھتی ہوئی مکروہات ہیں۔ یرمیاہ واضح کرتا ہے کہ یہ قدیم مرد روحانیت کے فریب میں جکڑے ہوئے ہیں، کیونکہ وہ "سورج، چاند اور تمام لشکر آسمان" کی "پرستش" کرتے ہیں۔ وہ یہ بھی بتاتا ہے کہ انہیں "گرنے، اور پھر نہ اٹھنا،" کیونکہ

”انهوں نے خداوند کے کلام کو رد کر دیا ہے۔“ ان خصوصیات کے ذریعے یرمیاہ یہ ظاہر کرتا ہے کہ ”یہ لوگ خداوند کی عدالت کو نہیں جانتے۔“

در آن زمان، خداوند می فرماید، استخوان های پادشاهان یهودا و استخوان های سروران ایشان و استخوان های کاهنان و استخوان های انبیا و استخوان های ساکنان اورشلیم را از قبرهایشان بیرون خواهند آورد؛ و آنها را در برابر آفتاب و ماه و تمامی لشکر آسمان خواهند گسترانید، که آنها را دوست داشته اند و آنها را خدمت کرده اند و از پی آنها رفته اند و آنها را طلب کرده اند و آنها را پرستش نموده اند؛ آنها جمع نخواهند شد و دفن نخواهند گردید؛ بلکه بر روی زمین چون سرگین خواهند بود. و تمامی بازماندگانی که از این خاندان شریر باقی مانده اند، در همه جاهایی که ایشان را بدان جا رانده ام، مرگ را بر حیات برخوانند گزید، خداوند لشکرها می فرماید. و نیز به ایشان بگو: خداوند چنین می فرماید: آیا چون بیفتند، برنمی خیزند؟ آیا اگر کسی روی بگرداند، بازنمی گردد؟ پس چرا این قوم اورشلیم به ارتدادی دائمی برگشته اند؟ به فریب سخت چسبیده اند و از بازگشت امتناع می ورزند. من گوش فرادادم و شنیدم، اما ایشان به راستی سخن نگفتند؛ هیچ کس از شرارت خود توبه نکرده، نگفت: «چه کرده ام؟» هر یک به راه خود برگشته است، همچون اسبی که به سوی جنگ یورش می برد. آری، لکلک در آسمان اوقات معین خویش را می شناسد؛ و قمری و درنا و پرستو زمان آمدن خود را نگاه می دارند؛ اما قوم من حکم خداوند را نمی شناسند. چگونه می گوید: «ما حکیم هستیم، و شریعت خداوند با ماست؟» اینک، یقیناً آن را به باطل ساخته است؛ قلم کاتبان باطل است. حکیمان خجل شده اند، مدهوش و گرفتار گردیده اند؛ اینک، کلام خداوند را رد کرده اند؛ پس در ایشان چه حکمتی است؟ ارمیا ۸: ۹-۱۸.

در باب پنجم، ارمیا کسانی را که داوری خداوند را نمی شناسند «نادان» می خواند.

در کوچه های اورشلیم به هر سو بگردید، و اکنون ببینید و بدانید، و در میدان های آن جست و جو کنید که آیا می توانید انسانی بیابید، آیا کسی هست که عدالت را به جا آورد و طالب راستی باشد؛ و من آن را خواهم بخشود. و اگرچه می گویند: «به حیات خداوند»، یقیناً به دروغ سوگند می خورند. ای خداوند، آیا چشمان تو بر راستی نیست؟ ایشان را زده ای، اما اندوهگین نشده اند؛ ایشان را نابود کرده ای، اما از پذیرفتن تادیب سر باز زده اند: روی های خویش را از سنگ سخت تر ساخته اند؛ از بازگشت امتناع ورزیده اند. پس گفتم: یقیناً اینان فقیرند؛ ایشان جاهل اند؛ زیرا طریق خداوند و داوری خدای خویش را نمی شناسند. ارمیا ۵: ۴-۵.

در ایام آخر، ادونتیسیم لائودیکایی، که کسانی که در مثل ده باکره به مثابه باکرگان جاهل معرفی شده اند نماینده آن هستند - و خواهر وایت تصریح می کند که این مثل «تجربه قوم ادونتیسیم» را بازنمایی می کند - «طریق خداوند و داوری خدای خویش را نمی شناسند.» در فصل بعد، ارمیا مشخص می سازد که «طریق» خداوند همان «راه های کهن» است؛ اما ادونتیسیم های لائودیکایی جاهل از سلوک در آن، یا از گوش فرادادن به صدای کرنا، سر باز می زنند. «کرنا» نماد داوری است، که البته ادونتیسیم های لائودیکایی جاهل آن را نمی شناسند.

اینگونه خداوند می فرماید: «بر راه ها بایستید و بنگرید، و از راه های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید، تا برای جان های خویش آرامی بیابید.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» نیز دیدبانانی بر شما گماشتم که می گفتند: «به آواز کرنا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش فرا نخواهیم داد.» پس ای امت ها، بشنوید، و ای جماعت، بدانید که در میان ایشان چیست. ای زمین، بشنو: اینک من بر این قوم بلا خواهم آورد، یعنی ثمره افکار ایشان را، زیرا به سخنان من گوش فرا نداده اند، و شریعت مرا رد کرده اند. ارمیا ۶: ۱۶-۱۹.

آن «شری» که بر «جماعتی» وارد می شود که از «گوش فرا دادن به صدای شیپور» و «راه رفتن» در «طریق های قدیم»-جایی که «آرامش» باران آخر در آن یافت می شد-سرباز زد، زمانی رخ می دهد

که «جماعت» در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، «شریعت او را رد می‌کند».

کاربرد سه‌گانه ایلپا، کار یک رسول و یک جنبش را در زمان داورى اجرايى مشخص مى‌سازد؛ داورى‌ای که با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع آغاز می‌شود. به‌طور نزدیک با کاربرد سه‌گانه ایلپا، کاربرد سه‌گانه آن رسولی مرتبط است که راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد. کاربرد سه‌گانه آن رسولی که راه را مهیا می‌کند، در حال شناسایی کاری به‌وسیله یک رسول و یک جنبش در زمان داورى تحقیقی است. آن رسولی که راه را مهیا می‌کند، و ایلپا، کاربردهای سه‌گانه‌ای هستند که به‌طور نزدیک با یکدیگر ارتباط دارند؛ همان‌گونه که کاربرد سه‌گانه روم با کاربرد سه‌گانه سقوط بابل چنین است، اما این‌ها تمایزات مهمی را دارا هستند که با داورى خدا مرتبط‌اند.

سه‌گانه‌بودن کاربردهای ایلپا و کاربرد سه‌گانه آن رسولی که راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد، با دو کار متمایز داورى مرتبط است که خدا آن‌ها را به‌واسطه رسول برگزیده خود و جنبشی که به پیام آن رسول می‌پیوندد، به انجام می‌رساند. این دو کار با دو دوره متمایز داورى مرتبط‌اند، هرچند میان این نمادها هم‌پوشانی وجود دارد.

کار ایلپای سوم و نهایى، در ارتباط با داورى اجرايى اتحاد سه‌گانه بابل مدرن است؛ و کار آن پیام‌آوری که راه را مهیا می‌سازد، در ارتباط با داورى تحقیقی و تطهیر قوم خداست. باب سوم ملاکی، با آخرین آیه باب دوم آغاز می‌شود.

شما خداوند را با سخنان خود به ستوه آورده‌اید. اما می‌گویید: «او را در چه چیز به ستوه آورده‌ایم؟» هنگامی که می‌گویید: «هر که بدی می‌کند در نظر خداوند نیکوست، و او از ایشان خشنود است»؛ یا: «خداى داورى کجاست؟» اینک، رسول خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و آن خداوندی که شما طالب او هستید، ناگهان به هیکل خویش خواهد آمد، یعنی آن رسول عهد که از او مسرورید؛ اینک او خواهد آمد، بیهوش صبايوت می‌گوید. اما چه کسی روز آمدن او را تاب خواهد آورد؟ و چه کسی هنگامی که ظاهر شود خواهد ایستاد؟ زیرا او مانند آتش گدازنده و مانند صابون گازران است. و او چون پالاینده و مصفی‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را طاهر خواهد ساخت و ایشان را چون طلا و نقره پاک خواهد گردانید، تا هدیه‌ای به عدالت برای خداوند تقدیم کنند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ایام قدیم و در سال‌های گذشته بود. ملاکی 2:17-3:4.

در ایام آخر، مطابق با شهادت ملاکی، خدا از ادونتیسیم لائودیکیه‌ای که به شورش ۱۸۸۸ چنگ زده است، به ستوه آمده است. شورش ۱۸۸۸ به‌واسطه شورش قورح، داتان و ابیرام تمثیل یافته بود، و محور استدلال تعلیمی شورش قورح این بود که آیا آنان که بدی می‌کنند، همچنان در نظر خداوند عادل محسوب می‌شوند یا نه.

एलीआब जो, अबीराम और दातान तथा, था पुत्र का लेवी, पुत्र का कोहात, पुत्र का इजहार जो, कोरह और वे और हुए। खड़े उठ लेकर को लोगो, से मे पुत्रों के रूबेन अर्थात, था पुत्र का पेलेत जो, ओन और, थे पुत्र के जो, प्रधान पचास सौ दो के सभा अर्थात, साथ के जनो कुछ से मे सन्तान की इस्राएल साम्‌हने के मूसा, लगे कहने उनसे होकर इकट्ठे वरिद्ध के हारून और मूसा वे और उठे। थे पुरुष नामी और प्रसदिध मे मण्डली बीच उनके यहोवा और, एक हर से उनमे, है पवतिर मण्डली सारी क्योकि, हो लेते कुछ बहुत ऊपर अपने तुम”
॥ 16:1-3 गनिती? ” हो बढ़ाते क्यो को आप अपने ऊपर के मण्डली की यहोवा तुम फरि; है मे

در ایام آخر، خدا از ادونتیسیم لائودیکیه‌ای که به شورش ۱۹۵۷ چسبیده است، خسته و ملول است؛ شورشی که صرفاً تجلی شورش ۱۸۸۸ است که در قالب بیانیه‌ای رسمی تدوین شد. کتاب Questions on Doctrine شورش ۱۸۸۸ را نهادینه کرد؛ شورشی که، بنا بر شهادت آن فرشته‌ای که به خواهر وایت دستور داد باید در کنفرانس ۱۸۸۸ بماند تا تکرار تاریخ شورش قورح، داتان و ابیرام را ثبت کند، تکرار

شورش قورح، داتان و ابیرام بود. در آن شورش، دویست و پنجاه مرد نامدار همراه با قورح، داتان و ابیرام، بر ضد موسی، نماینده خدا، گرد آمدند.

بیست و پنج مردی که در حزقیال، باب هشت، در برابر خورشید سجده می‌کنند، نمایانگر عشر، یا یک‌دهم آن دویست و پنجاه مردی هستند که در شورش قورح، داتان و ابیرام بخور تقدیم کردند؛ شورش که به گونه‌ای نمادین بر رهبران شورش سال ۱۸۸۸ دلالت داشت، همان کسانی که طغیان اعتقادی‌شان در سال ۱۹۵۷ با انتشار کتاب Questions on Doctrine رسمیت یافت.

بغاوت قورح، داتان و ابیرام نے اُس "فیصلہ" کو رد کر دیا تھا جو خدا نے اُن کے بارے میں صادر کیا تھا، یعنی یہ کہ وہ چالیس برس تک بیابان میں آوارہ پھرتے رہیں۔ لاؤدیقیہ ادونٹ ازم نے 1863 میں لاؤدیقیہ کے بیابان میں بھٹکنا شروع کیا، جب انہوں نے 1856 میں پیش کیے گئے لاؤدیقیہ کے پیغام کو رد کر دیا؛ اُس رد کے نتیجے میں اُن کی بے ایمانی کے سبب بہت سے مزید برسوں تک بیابان میں بھٹکتے رہنے کا فیصلہ صادر ہوا۔ 1888 کی بغاوت میں بھی وہ اب تک لاؤدیقیہ کے اُس پیغام کو قبول کرنے پر آمادہ نہ تھے جو ایلڈر جونز اور ویگنر کے ذریعے لایا گیا تھا۔

کسانی کہ در سال ۱۸۸۸ عصیان کردند، نه تنها مرجعیت روحانی مشایخ جونز و واگنر را رد کردند، بلکه مرجعیت نبیہ الن وایت و نیز مرجعیت روح القدس را هم رد نمودند، زیرا آنان این اندیشه را به عمل درآوردند که تمامی جماعت به یکسان مقدس است.

در سال ۱۸۶۳، آنان بازگشته بودند تا با نبی دروغین بیت‌ئیل هم‌سفره شوند، و بدین‌سان سرانجام آن تعریف نجات را که در عصیان قورح مجسم شده بود پذیرفتند، و سپس آن تعلیم باطل را به‌طور رسمی در کتاب Questions on Doctrine ثبت و تثبیت کردند. آن تعلیم، تعریفی کاذب از «توجیه به‌وسیله ایمان» است.

شورش سال ۱۸۶۳ آغازِ ردّ جواهراتِ میلر بود که بر دو لوحِ حقیق بازتاب یافته بودند. در باب دوم حقیق، «مباحثه»ی آیه یک، در نهایت دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد که بر اثر اختلافان درباره پیامی که درنگ نمود، آشکار می‌گردند.

نگاه کنید، جان او که مغرور شده است، در وی راست نیست؛ اما عادل به ایمان خویش زیست خواهد کرد. حقیق ۲:۴

«ایمان» «عادلان» در «مجادله»ی باب دوم حقیق، بر «رؤیا»یی مبتنی بود که به‌روشنی بر لوح‌ها نوشته شده بود. در شورش ۱۸۶۳، نخستین گام برای زدودن آنچه بر لوح‌ها نوشته شده بود، به‌وسیله‌ی کسانی برداشته شد که دیگر ایمان «عادلان» را در اختیار نداشتند. شورش ۱۸۶۳، نخستین بذر آن شورش را نمایندگی می‌کرد که سرانجام در سال ۱۹۵۷ تعریفی کاذب از آموزه‌ی عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان را رسمیت می‌بخشید.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«خداوند در رحمت عظیم خود، از طریق مشایخ واگنر و جونز، پیامی بس گران‌بها برای قوم خویش فرستاد. این پیام برای آن بود که نجات‌دهنده برکشیده را، که قربانی برای گناهان تمامی جهان است، به گونه‌ای برجسته‌تر در برابر جهان قرار دهد. این پیام، آمرزیدگی از راه ایمان به ضامن را عرضه می‌کرد؛ مردم را دعوت می‌نمود تا عدالت مسیح را بپذیرند، عدالتی که در اطاعت از همه احکام خدا آشکار می‌شود. بسیاری عیسی را از نظر دور داشته بودند. آنان نیاز داشتند که چشمانشان به سوی شخص الهی او، شایستگی‌های او، و محبت تغییرناپذیر او نسبت به خانواده بشری متوجه گردد. تمام قدرت به دستان او سپرده شده است تا عطایای غنی را به انسان‌ها

بخشد و بخشش بی‌قیمت عدالت خود را به عامل بشری درمانده عطا نماید. این همان پیامی است که خدا فرمان داد به جهان داده شود. این همان پیام فرشتهٔ سوم است که باید با آواز بلند اعلام گردد و با ریزش روح او به اندازه‌ای عظیم همراه باشد.» Testimonies to Ministers, 91.

«حقیقتِ مخصوص این زمان، یعنی پیام فرشتهٔ سوم، باید با آوازی بلند اعلام شود»، یعنی با قدرتی فزاینده، هرچه به آزمون عظیم نهایی نزدیک‌تر می‌شویم. The 1888 Materials, 1710.

«زمان امتحان درست بر ما فرارسیده است، زیرا فریادِ بلندِ فرشتهٔ سوم پیشاپیش در آشکار شدن عدالتِ مسیح، آن فدیهدهندهٔ آمرزندهٔ گناه، آغاز شده است. این آغاز نورِ آن فرشته‌ای است که جلالش تمامی زمین را پر خواهد ساخت.» Selected Messages، کتاب 1، 362.

«بارانِ آخر بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای توانا از آسمان فرود خواهد آمد، و تمامی زمین از جلال او روشن خواهد شد.» Review and Herald، 21 آوریل 1891.